

بررسی و مقایسه پژوهش‌های مربوط به واژگان نوشتاری، گفتاری یا خوانداری کودکان دبستانی ایران از ابتدا تا کنون¹

نادیا فکری²

چکیده

بررسی حاضر به منظور مقایسه بین پژوهش‌های انجام شده در حوزه واژگان کودکان (اعم از نوشتاری، گفتاری یا خوانداری) انجام شده است. در این بررسی میزان تفاوت‌ها و شباهت‌های پژوهش‌های فوق از نظر عملکرد پژوهشگران و معیارهای اعمال شده توسط آنان در زمینه نوع واژگان (نوشتاری، خوانداری یا گفتاری)، جامعه آماری، تعیین حدود واژه، و... نشان داده شده و در پایان نیز پیشنهادهایی برای هماهنگ کردن پژوهش‌های آتی و توسعه پژوهش‌های مشابه ارائه شده است. کلیدواژه‌ها: واژگان نوشتاری، واژگان گفتاری، واژگان خوانداری، کودکان دبستانی، واژگان پایه

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و فقط می‌تواند در اجتماع زندگی کند و در این زندگی جمعی، نیازمند ارتباطات و پیوندهایی است که شرایط لازم برای رشد و شکوفایی وی را فراهم کند. یکی از عوامل رشد و تکامل جامعه انسانی و شاید مهم‌ترین آن، ارتباط است و در این رابطه زبان، نقش اساسی ایفا می‌کند. تفهیم و تفهم به وسیله زبان و توسط واژگان موجود در آن صورت می‌گیرد و بیان اندیشه، انتقال تجارب و آموخته‌ها، و... نیز از طریق واژگان امکان‌پذیر است. اساس کار آموزش بر یادگیری زبان و گسترش اجزای سازنده آن (یعنی واژگان) استوار می‌باشد. اجرای اصول تعلیم و تربیت تنها از طریق انتخاب زبان صحیح و به کارگیری واژگان مناسب میسر می‌گردد.

امروزه تعلیم و تربیت اساساً از طریق ادبیات مکتوب به نسل‌های جدید منتقل می‌شود. بنابراین کتاب و نویسنده در این فرآیند از جایگاهی خاص برخوردارند. کتاب مناسب، قدرت تخیل کودک را تقویت می‌کند و به او روش اندیشیدن خلاق را می‌آموزد و بستر یک زندگی هدفمند، فعال و پویا را برای وی فراهم می‌سازد. از این رو نویسنده‌ای که برای کودکان می‌نویسد، وظیفه‌ای بس عالمانه و هنرمندانه برعهده دارد. او باید خوانندگان خردسال خود را بشناسد و به ظرایف زبان آنان آگاهی داشته باشد و بداند که هر زبان ساده‌ای، زبان کودکان نیست.

«ابراهیمی» مهم‌ترین وظایف نویسنده کودک و نوجوان را چنین برمی‌شمرد: «او باید از یکسو با بسیاری از علوم چون روانشناسی، تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، و... و بنا به وضعیت آموزشی کودکان با

¹. برگرفته از فصل دوم پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «شناسایی و تحلیل واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران» در رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به راهنمایی دکتر مرتضی کوکی در دانشگاه شهید چمران اهواز

². فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز

فنون مختلفی چون صنایع دستی، قالیبافی، نجاری، بنایی، و... نیز تاحدودی آشنایی داشته باشد. از سوی دیگر به فنون نگارش، فن ساده‌سازی جملات، فن به‌کاربردن ساده‌ترین و آشناترین کلمات، فن بسیار ظریف رساندن و فهماندن معانی واژه‌ها و اصطلاحات جدید، فن به‌کارگیری ساده‌ترین و کوتاه‌ترین کلمه‌ها با کمترین بخش‌ها و هجاها با در نظر گرفتن حد سنی کودکان خواننده اثر و شرایط فرهنگی، اجتماعی آنان، کاملاً تسلط داشته باشد» (ابراهیمی، 1363).

جمعیت کشور ما ایران یکی از جوان‌ترین جوامع دنیا است و به‌همین دلیل ادبیات کودک و نوجوان در آن بیشترین مخاطب را دارد. خلق آثار پرمایه و خلاق برای این گروه بزرگ مخاطب بر اساس نیازها و شرایط محیط اطراف آنان، یک نیاز ضروری است. این مهم به ثمر نمی‌رسد مگر این که نویسندگان ما مجموعه‌ای از لغات روزآمد متناسب با گروه‌های سنی مختلف در اختیار داشته باشند تا با استفاده از این مجموعه‌ها و با بصیرت و شناختی که باید دارا باشد، بتوانند با کودکان به راحتی ارتباط برقرار کنند و به بهترین صورت ممکن مفاهیم، تعارب، احساسات، و... را با ساده‌ترین واژگان انتقال دهند و از این راه کودکان را از سردرگمی در واژگان دشوار و مهجور و به تبع آن خستگی و دلزدگی از مطالعه‌های بی‌بخشند؛ از سوی دیگر با استفاده از این مجموعه لغات، سعی در گسترش گنجینه واژگان آنان نیز داشته باشند و با تکرار واژه‌های ساده، مطالعه را امری پیش‌پا افتاده و ساده نینگارند.

معرفی پژوهش‌های انجام‌شده از ابتدا تا کنون

اولین تحقیقی که در ایران درباره واژگان نوشتاری کودکان صورت گرفت پایان‌نامه دکتری «فریدون بدره‌ای» در سال 1350 در رشته زبانشناسی با عنوان «وسعت واژگان کودکان دبستانی ایران برپایه نوشته‌های آنان» بود که توسط فرهنگستان زبان ایران در سال 1352 به صورت کتاب نیز چاپ شده است. «بدره‌ای» در این پژوهش، نمونه‌گیری خود را برپایه بررسی 98769 واژه گذاشته، که به گفته وی این تعداد واژه نسبت به پژوهش‌های مشابه انجام شده در خارج کاملاً قانع‌کننده و درخور اطمینان است. این تعداد واژه از 1085 نامه که کودکان دبستانی از 908 دبستان و 160 شهر در سراسر ایران برای «مرکز ملی آموزش بزرگسالان» ارسال کرده بودند، استخراج شده است. در این پژوهش تعداد 8712 صورت‌زبانی و 4598 واژه مختلف به ثبت رسیده. سپس با توجه به دو عامل پراکندگی (میزان استفاده واژه در کلاس‌های مختلف) و بسامد واژه‌ها، تعداد واژگان پایه کودکان این گروه سنی، 775 واژه تعیین شده است.

وی در پژوهش خود ابتدا واژگان را در جداولی بصورت الفبایی و سپس در جداولی به ترتیب بسامد مرتب کرده و نوشته است.

پس از این جداول، فهرست‌های موضوعی واژگان نوشتاری کودکان (با موضوعات: اشیا و ابزار، گیاهان، جانوران، اندام‌ها و حواس، جای‌ها و مکان‌ها، دین، گوهرها و عناصر طبیعی، و...) ذکر شده. لازم به ذکر است که زیرگروه‌های غیرفعلی پژوهش حاضر (که در فصل سوم، توضیح کامل آن خواهد آمد) در راستای مقایسه با پژوهش «بدره‌ای»، برگرفته از فهرست‌های موضوعی وی می‌باشد.

یکی از دیگر بررسی‌هایی که درباره واژگان کودکان انجام شده «فهرست پربسامدترین واژه‌های خردسالان (6 تا 12 سال)» است که توسط «لیلی ایمن» و با همکاری گروهی شامل بیش از 20 متخصص انجام شده. این تحقیق که اجرای آن ده سال به طول انجامید در سال 1357 زیر نظر «مرکز ملی آموزش بزرگسالان» به چاپ رسید. پژوهشگر حاضر این اطلاعات را از یک نسخه دست‌نویست موجود در شورای کتاب کودک به‌دست آورده است. در بخشی از مقدمه این کتاب آمده: «ساخت علمی این طرح و رهنمودهای زبانشناسی آن

به تصویب گروهی به سرپرستی استاد محترم جناب آقای دکتر «پرویز خانلری» رسیده است. همچنین آقایان «شاپور راسخ» و دکتر «ایرج ایمن» در مورد انتخاب جمعیت موردنظر و روش‌های اجرای تحقیق به‌عنوان مشاور، پژوهندگان را راهنمایی و ارشاد کرده‌اند» (ایمن، 1357).

در طول ده سال دوره پژوهش، پژوهشگران طرح در سراسر کشور، در کلیه استان‌ها، شهرها و حتی روستاها با استفاده از مصاحبه و ضبط گفتار کودکان بر روی نوار و تحلیل نوارها، به بررسی و ثبت واژگان گفتاری کودکان پرداخته‌اند. واژگان نوشتاری نیز با تحلیل پرخواننده‌ترین کتاب‌ها و نوشته‌های خردسالان (6 تا 12 سال) جمع‌آوری شده است. مجموعه به‌دست آمده از منابع کتبی حدود یک میلیون واژه، و مجموعه به‌دست آمده از منابع شفاهی حدود 3 میلیون واژه می‌باشد. پس از بررسی حدود 4 میلیون واژه، فهرستی شامل 2398 واژه ارائه شده است. در این اثر اگر کلمه‌ای به معانی مختلف استفاده شده، هر یک از معانی آن به‌صورت یک واحد واژه‌ای در فهرست ذکر شده است. در مورد افعال نیز ابتدا صورت مصدری آن فعل آمده و سپس صورت‌های تصریفی فعل، در زیر مصدر آن ذکر شده است. در این پژوهش حروف اضافی، حروف ربط، و... در نظر گرفته نشده‌اند.

تحقیق دیگر درباره واژگان کودکان دبستانی، توسط «عبدالرحمن صفارپور» در دهه شصت با عنوان «واژگان پایه کلاس‌های اول تا پنجم» در شورای تحقیقات آموزش و پرورش بر اساس کتاب‌های درسی کودکان دبستانی و نهضت سوادآموزی انجام شده، و در بهار سال 1370 به چاپ رسیده است (صفارپور، 1370). در حقیقت می‌توان این اثر را واژگان پایه خوانداری کتاب‌های درسی دبستان و نهضت سوادآموزی دانست. در مقدمه این اثر که به‌صورت کتاب به چاپ رسیده، بیان شده است که در میان آثار به‌وجود آمده برای کودکان و نوجوانان دو مشکل وجود دارد:

1. کسانی که به تازگی قدم به عرصه تولید اثر برای بچه‌ها نهاده‌اند، لغات و تعبیر مهجوری را به کار می‌برند که در حیطه واژگان پایه مخاطبان نیستند.
2. کسانی که در نوشتن برای کودکان تجربه دارند، از به کاربردن لغاتی که مخاطبان آن‌ها می‌فهمند، خودداری می‌کنند.

وی ادعا کرده است که راه چاره این مشکل «گردآوری علمی واژگان پایه گروه‌های سنی مختلف» است. وی می‌افزاید که می‌توان با بهره‌گیری از لغات ترکیبی به غنای ذهنی و باروری گنجینه لغات مخاطبان افزود. او درباره شروع تحقیق و چگونگی کار خود می‌گوید:

«می‌اندیشیدم، حال که در کتب ابتدایی کلمات و واژه‌هایی به کار گرفته شده که گاهی بر اساس توانایی ذهنی کودکان هر پایه نمی‌باشند، اگر بتوان تمام واژه‌های به کار گرفته شده در کتب درسی ابتدایی را فیش‌برداری و لیست کرد، آنگاه می‌توان بررسی و تحقیق نمود که، دانش‌آموزان هر پایه:

الف) معنای چه کلماتی از کتب درسی خود را می‌دانند؟

ب) معنای چه کلماتی از کتب درسی خود را نمی‌دانند؟

سپس با بند ب می‌توان سه برخورد متفاوت داشت:

1. برای دسته‌ای از واژه‌های نامأنوس کتب درسی ابتدایی، کلمات ساده‌تری که معادل آن‌ها هستند قرار

دارد؛

2. کلماتی را که به معناکردن احتیاج دارند، به‌گونه‌ای که در حد توان ذهنی و شناخت شاگردان هر پایه

باشد، معنا کرد؛

3. واژگانی را که به‌نظر می‌رسد بالاتر از حد ذهنی دانش‌آموزان است، حذف کرد» (صفارپور، 1370).

به تصور وی در صورت انجام چنین کاری می‌توان به نویسندگان، سازمان‌ها و کسانی که به نوعی با کودکان سروکار دارند، کمک کرد تا حدود واژگان دانسته و ندانسته کودکان را دریابند و در نوشتن، حرف‌زدن و هر نوع ارتباط با کودکان، کلماتی را به کار گیرند که آنان درک می‌کنند.

بنا به گفته «صفارپور»، این موضوع از سال 1360 برای او مطرح بوده و از آن سال شروع به فیش‌برداری از کتاب‌های درسی ابتدایی و نهضت سوادآموزی کرده و این کار تا اوایل سال 1368 طول کشیده است.

شیوه کار «صفارپور» در این اثر، به این صورت است که کلمات به کار رفته در کتاب‌های درسی فارسی، ریاضی، علوم، دینی، اجتماعی و هنر پایه‌های اول تا پنجم دبستان و کتاب‌های فارسی 1 و 2 مقدماتی و ریاضی 1 و 2 مقدماتی نهضت سوادآموزی را به تفکیک پایه و ماده درسی، مشخص نموده و یک فهرست واژگانی در حدود 26000 واژه ارائه کرده که از این تعداد، 25000 واژه مربوط به کتب پنج پایه دبستانی و 1000 واژه مربوط به کتاب‌های نهضت سوادآموزی است. در این اثر بدون اینکه واژگان پایه مشخص شوند و بدون جمع‌بندی نهایی و گرفتن یک نتیجه مشخص، تنها فهرستی الفبایی از واژگان ارائه شده است.

پژوهش دیگری که درباره واژگان پایه فارسی انجام شده، رساله کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی «مهدی ضرغامیان» با عنوان «واژگان خوانداری کودکان دبستانی ایران» می‌باشد که در سال 1371 در پژوهشگاه علوم انسانی از آن دفاع شده. در این اثر مجموعه‌ای از واژگان خوانداری کودکان دبستانی ایران در دهه شصت (1360-1369) مورد بررسی قرار گرفته است. «این واژگان از طریق گزینش روش‌های کامپیوتری از روی 87 عنوان کتاب، 9 عنوان مقاله و قصه منتشر شده در مجلات ویژه کودکان به دست آمده است. این کتاب‌ها، مقالات و قصه‌ها از سوی کانون برای گروه‌های سنی «ب» (معادل 7 تا 9 ساله، یعنی کلاس‌های اول تا سوم) و «ج» (معادل 11 تا 12 ساله، یعنی کلاس‌های چهارم و پنجم)، مابین سال‌های 1360 تا 1369 تهیه شده است» (ضرغامیان، 1371).

تشخیص مرز واژگان، از نظر «ضرغامیان» بر اساس برداشت نشانه‌مند از کلمه صورت می‌گیرد. مثلاً عبارت «لباس فضانوردی» به نظر وی یک مدخل محسوب می‌شود و نیازی به تجزیه این مدخل به دو واژه «لباس» و «فضانوردی» نیست.

«ضرغامیان» در رساله خود 13039 مدخل واژگانی با کاربرد حدود 80629 را در دو فهرست الفبایی و بسامدی ارائه نموده است.

کار دیگر در موضوع واژگان کودکان توسط «گیتی شکری» و با عنوان «فرهنگ دبستانی» در سال 1374 انجام شده است. این کتاب شامل پانزده هزار واژه و در دو جلد، توسط «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» به چاپ رسیده. وی برای نوشتن این کتاب، کلیه واژه‌های کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و پنجاه عنوان کتاب غیردرسی متعلق به گروه‌های سنی 6 تا 11 سال، مجلات پیک، رشد، کیهان بچه‌ها، فهرست پرتکرارترین واژه‌های خردسالان در پژوهش «لیلی ایمن»، و کتاب واژگان نوشتاری «بدره‌ای» را استخراج نموده است. همچنین ده برنامه از برنامه‌های کودکان و نوجوانان رادیو و تلویزیون را به طور تصادفی انتخاب و ضبط، و واژه‌های آن‌ها را استخراج کرده و سپس به صورت الفبایی در قالب این کتاب تنظیم نموده است.

در سال 1376 دو رساله کارشناسی ارشد در «دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی» دانشگاه علامه طباطبایی در رشته «آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان» درباره واژگان پایه ارائه شده است. یکی از این پایان‌نامه‌ها توسط «فرامرز صفرزاده» با عنوان «واژگان گفتاری پایه کودکان دبستانی ایران (پایه‌های سوم، چهارم و پنجم) در مدارس تهران» نوشته شده است. «صفرزاده» برای پژوهش خود، کودکان دبستانی پایه‌های سوم تا پنجم از شش دبستان دخترانه و شش دبستان پسرانه واقع در منطقه دو تهران را برگزیده، در هر پایه به

صورت تصادفی 10 پسر و 10 دختر را انتخاب کرده و به عبارت دیگر پژوهش خود را بر روی 60 دانش آموز دختر و پسر انجام داده است. وی گفتگوهای دوفره دانش آموزان به مدت 15 ساعت را ضبط و تحلیل کرده است.

در ارائه فهرست‌های واژگان، وی از دو نرم‌افزار «واژه‌پرداز شارپ» و «تحلیلگر متن» بهره گرفته. به گفته وی چون «واژه‌پرداز شارپ» فاقد نشانه‌های آوایی (ْ) بوده، از روش آوانویسی استفاده کرده است. مثلاً مقابل واژه «راستی» نوشته شده است «Rasti». او با استفاده از نرم‌افزار تحلیلگر متن، با شمارش تک‌تک کلمات موجود در متن، فهرست‌های الفبایی و بسامدی خود را تهیه کرده است. او واژگان پژوهش خود را به ترتیب بسامد مرتب کرده و در مقابل هر واژه، میزان کاربرد آن در پایه‌های مختلف و در دختران و پسران را به تفکیک مشخص کرده. واژگان پژوهش وی شامل 57320 بسامد و 9676 واژه نامکرر می‌باشد، با این توضیح که هر صورت تصریفی، یک واژه در نظر گرفته شده است.

پایان‌نامه دیگر توسط «علی محمد شبیری» با عنوان «واژگان پایه ادراکی دانش آموزان کلاس‌های سوم، چهارم، و پنجم ابتدایی شهر تهران» تدوین شده است. «شبیری» هدف خود از انجام این تحقیق را رسیدن به مجموعه واژگان ادراکی دانش آموزان ابتدایی می‌داند و چنین بیان می‌کند: «نخست لازم است کلیه واژگانی را که این گروه از دانش آموزان در معرض آن قرار دارند، مشخص کنیم. گردآوری مستقیم واژه‌ها از منابع متعدد و کتب درسی دانش آموزان، صرف وقت بسیار و نیروی کار فراوان را می‌طلبد. به همین دلیل از چند مجموعه واژگانی که قبلاً توسط محققان دیگر جمع‌آوری شده بود، استفاده شد. این مجموعه‌های واژگانی عبارت‌اند از «واژگان نوشتاری کودکان دبستانی» اثر «فریدون بدره‌ای»، «واژگان پایه دانش آموزان کلاس اول تا پنجم ابتدایی» نوشته «عبدالرحمن صفارپور» و «واژگان خوانداری کودکان دبستانی ایران» کار «مهدی ضرغامیان». مبنای این تحقیق مجموعه «ضرغامیان» قرار گرفت و سپس واژگان مشترک با آن از دو مجموعه دیگر حذف شد. در نهایت مجموعه‌ای در حدود 4100 واژه باقی ماند که برای تهیه پرسشنامه در نظر گرفته شد (شبیری، 1376). وی واژگان فهرست‌های «بدره‌ای» را با این فرض که توسط بچه‌ها و در نوشته‌های آنان به کار رفته و بنابراین قابل درک می‌باشند، حذف نموده است. او در فصل چهارم پایان‌نامه خود، روش کار پژوهش را این گونه بیان می‌دارد که: «برای تک‌تک واژگان مورد بررسی که مهجور و ناآشنا فرض شده‌اند، جملاتی از میان کتاب‌های درسی یا مجلات و داستان‌های متناسب با سن آنان، ساخته شده. سپس کلمات جایگزین، با توجه به ساختار دستوری کلمه موردنظر و توضیحات ارائه شده برای آن کلمه در فرهنگ «معین» ساخته شد و در قالب سؤالاتی از دانش آموزان، معادل‌های واژگان پرسیده شده است. در این رساله، بسامد یک واژه به تعداد دفعاتی که واژه، پاسخ مثبت را کسب کرده، به کار رفته است» (شبیری، 1376).

«شبیری» در فصل پنجم پایان‌نامه خود واژگان نوشتاری و گفتاری را زیرمجموعه واژگان ادراکی در نظر گرفته است. معیار تفکیک واژه در این پژوهش نیز همانند پژوهش «ضرغامیان»، برداشت نشانه‌مند از کلمه می‌باشد. «در این رساله فقط 195 واژه از درکی معادل 85 درصد برخوردار بوده است - یعنی تقریباً یک چهارم واژگان پایه نوشتاری که «بدره‌ای» برشمرده است» (شبیری، 1376).

با توجه به تفاوت چشمگیری که در فهرست واژگان ادراکی «شبیری» با واژگان گفتاری کودکان «صفرزاده» مشاهده می‌شود، «شبیری» چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «صرف کاربرد یک واژه در گفتار یا نوشتار کودک نباید حمل بر درک آن واژه شود».

آخرین پژوهش در موضوع واژگان کودکان پایان‌نامه‌ای است به عنوان «شناسایی و تحلیل واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران» که در دانشگاه شهید چمران اهواز در سال 1382، نگارنده این سطور آن را

تدوین و ارائه کرده است.

در این پژوهش نامه‌های ارسالی کودکان دبستانی سراسر کشور به دفتر مجلات «رشد نوآموز» و «رشد دانش آموز» در طول سال‌های 81-1380 مورد بررسی قرار گرفته است. از 367 نامه بررسی شده در این پژوهش 56086 واژه و 4754 واژه غیر تکراری استخراج شده است. معیار تفکیک واژه در این پژوهش، نظریه ساختاری می‌باشد، به این صورت که کلیه ترکیبات اضافی و وصفی، به واژگان سازنده خود تفکیک شده‌اند (مثلاً «لباس فضانوردی» به دو واژه «لباس» و «فضانوردی» تفکیک شده است). واژگان در چهار گروه اصلی: فعلی، غیر فعلی، اصطلاحات، و مصدر، بررسی و طبقه‌بندی شده‌اند. گروه غیر فعلی خود به هجده زیرگروه فرعی تقسیم شده است.

حاصل این پژوهش یک جدول الفبایی شامل 56086 واژه (صورت زبانی)، یک جدول بسامدی شامل 4754 واژه و یک جدول واژگان پایه شامل 761 واژه پایه می‌باشد.

مقایسه پژوهش‌های پیشین با پژوهش حاضر

پژوهش حاضر (همانطور که از عنوان آن برمی‌آید) تنها مربوط به واژگان نوشتاری کودکان دبستانی است. یعنی با استخراج واژگان به کار رفته در نوشته‌های کودکان، واژگان پایه نوشتاری آنان را در طول سال‌های 81-1380 مشخص می‌نماید. به عبارت دیگر این پژوهش، ادامه کار پژوهش «بدره‌ای» پس از گذشت بیش از سی سال می‌باشد.

پژوهش حاضر، شباهت‌های زیادی با پژوهش «بدره‌ای» دارد. از جمله این شباهت‌ها محدوده جغرافیایی نمونه‌گیری (که در هر دو پژوهش، نوشته‌های کودکان سراسر ایران را شامل می‌شود)، بررسی واژگان نوشتاری، استفاده از معیار ساختاری برای تفکیک واژه، و استفاده از دو عامل پراکندگی و بسامد در تعیین واژگان پایه می‌باشد. تفاوت‌های موجود در این دو پژوهش نیز از این قرارند: شیوه کار بدره‌ای سنتی و دستی است، اما شیوه کار این پژوهش، رایانه‌ای و با استفاده از نرم‌افزار خاصی می‌باشد که برای این پژوهش طراحی و تنظیم شده است. معیار تشخیص فعل مرکب نیز در این پژوهش با پژوهش «بدره‌ای» متفاوت است. در شمارش بسامد واژگان، «بدره‌ای» واژه دارای «ی» نکره را با خود واژه اصلی شمارش نکرده است. به عنوان مثال واژه «روزی» با 221 بسامد با واژه «روز» با 548 بسامد، در فهرست‌های وی با هم جمع نشده‌اند؛ اما در این پژوهش با توجه به معیارهای ذکر شده، «ی» نکره واژه جدیدی نمی‌سازد و این دو واژه با هم جمع، و مجموع بسامد هر دو در مقابل واژه «روز» ذکر می‌شود.

در این پژوهش امکان تفکیک واژگان مورد استفاده دختران و پسران نیز وجود دارد، اما در پژوهش «بدره‌ای» این امکان وجود ندارد.

اسامی مشاهیر، شهرها، کشورها و اسامی خاص در پژوهش «بدره‌ای» محسوب و نوشته شده‌اند. در پژوهش «بدره‌ای» افعال مستتر در اسم یا صفت شمارش نشده‌اند؛ مثل: مریضم (مریض هستم) یا امیدوارم (امیدوار هستم) و یا خسته‌ای (خسته هستی). اما در این پژوهش از مقابل چنین کلماتی، افعال تحت مصدر اصلی خود (بودن) به بخش افعال ارجاع داده شده و با افعال مشابه خود که در آن بخش نوشته شده، جمع و شمارش شده‌اند. در پژوهش «بدره‌ای» افعال در صیغه‌ها و زمان‌های مختلف بسیار پراکنده‌اند و در مقابل آنان مصدر اصلی فعل نیز قید نشده است؛ ولی در این پژوهش در مقابل هر صیغه از فعل، مصدر اصلی آن نیز ذکر شده است.

هیچیک از پژوهش‌های دیگر بر روی واژگان نوشتاری کودکان کار نکرده و علاوه بر این، حوزه

جغرافیایی فعالیت خود را نیز محدود کرده‌اند. مثلاً پژوهش «اصغرزاده» فقط بر روی کودکان منطقه 2 تهران انجام شده (که نمی‌تواند نمونه کامل و جامعی از کودکان ایران باشد)، یا در پژوهش «شیری» توزیع پرسشنامه میزان درک واژگان، تنها در مناطق 1 و 17 تهران انجام شده است (به گفته وی منطقه 1، معرف قشر مرفه و منطقه 17 معرف قشر محروم و کم‌درآمد جامعه می‌باشد). این نمونه نیز نمونه کامل و جامعی نیست، زیرا حتی اگر طبق ادعای وی این دو منطقه معرف 2 قشر مرفه و محروم باشند، پس قشر متوسط جامعه در این نمونه جایی ندارد.

اما آنچه که این پژوهش و پژوهش «بدره‌ای» را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد، معیار تفکیک واژه است. همان‌گونه که ذکر شد، معیار تفکیک واژه در این دو پژوهش، معیار ساختاری می‌باشد؛ ولی پژوهش‌های دیگر - «صفرزاده»، «ضرغامیان» و «شیری» - استفاده از معیار نشانه‌مند را برای پژوهش خود برگزیده‌اند. «صفرزاده» در فصل دوم پایان‌نامه خود می‌نویسد: «تشخیص مرز واژگان، از نظر «ضرغامیان» بر اساس برداشت نشانه‌مند از کلمه صورت می‌گیرد؛ مثلاً عبارت «لباس فضانوردی» به نظر ایشان یک مدخل محسوب می‌شود و نیازی به تجزیه این مدخل به دو واژه «لباس» و «فضانوردی» نیست» (ضرغامیان، 1371). اما بر اساس نظریه ساختاری، این عبارت به دو واژه «لباس» و «فضانوردی» تفکیک می‌شود. «صفرزاده» در صفحه 20 پایان‌نامه خود می‌نویسد: «چنانچه ما واژه را از نظر گویشوران بومی و بیسواد یک زبان تعریف کنیم، قطعاً معیار ساختاری، معیار مقبول و مطلوبی نخواهد بود و گویشوران بیسواد اغلب واحدهایی را به عنوان واژه تلقی خواهند کرد که یک نشانه برای آن‌ها به وجود آورده باشند.

در اینجا لازم به ذکر است که قصد کلیه پژوهشگران از انجام چنین پژوهش‌ها و تهیه فهرست‌های واژگان، ارائه این فهرست‌ها به گویشوران بومی و بیسواد نیست؛ بلکه ارائه این فهرست‌ها به نویسندگان کتاب‌های کودکان، برنامه‌ریزان نظام‌های آموزشی، آموزشیاران زبان، و... به منظور تدوین و نگارش برنامه‌ها و کتاب‌های مطلوب‌تر و مناسب‌تر می‌باشد. بنابراین نیازی به ارائه برداشت نشانه‌مند از واژه نیست. با به کار بردن نظریه ساختاری، امکان ترکیب واژه‌های متفاوت را برای کاربران ذکر شده، فراهم آورده‌ایم. اگر مطابق معیار نشانه‌مند «لباس فضانوردی» را تفکیک کنیم، فقط امکان استفاده از این واژه را برای نویسنده، فراهم کرده‌ایم. اما اگر مطابق معیار ساختاری این عبارت را به دو واژه «لباس» و «فضایی» تفکیک کنیم، امکان ترکیب واژه «لباس» را با واژگان دیگر فراهم آورده‌ایم؛ مثل لباس ورزشی، لباس شنا، لباس گرم و...، و بدین ترتیب برای کاربران در انتخاب واژه، محدودیتی ایجاد نکرده‌ایم.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، چنین برمی‌آید که پژوهش‌های یادشده تنها بر روی گروه سنی کودکان دبستانی انجام شده است. معیار تفکیک واژه در آن‌ها یکسان نمی‌باشد و از این رو انجام مقایسه منطقی بین آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد.

در پژوهش‌هایی که بر روی واژگان گفتاری یا خوانداری انجام شده صحبتی از واژگان پایه درمیان نیست و تنها به ارائه فهرستی از واژگان، بدون توجه به میزان اهمیت یا درجه کاربرد آن اکتفا شده است. فهرست واژگان پایه، ویرایش و روزآمد نمی‌شود. در برخی از پژوهش‌ها واژگان گفتاری یا نوشتاری در یک فهرست نوشته شده‌اند؛ بنابراین میزان استفاده و کاربرد واژگان در نوشته‌ها یا گفتار کودکان نامشخص می‌باشد. کتاب‌های درسی کودکان به طور منظم بررسی نشده‌اند. واژگان به کاررفته در کتاب‌های غیردرسی و علمی کودکان نیز مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

پیشنهادها

1. پژوهش‌های مربوط به واژگان (نوشتاری، خوانداری یا گفتاری) به صورت منسجم و در دیگر گروه‌های سنی (دوره راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه) نیز انجام می‌شود.
2. معیار تفکیک واژه زیرنظر یک مرکز خاص (مانند فرهنگستان زبان فارسی) به صورت یکسان و هماهنگ تعریف شود تا پژوهش‌های آتی یکدست‌تر و قابل مقایسه‌تر گردند.
3. واژگان پایه هر گروه سنی مشخص گردد و در یک نظم زبانی منطقی، ویرایش و روزآمد شود.
4. از واژگان پایه در تألیف و ترجمه کتاب‌های درسی و غیردرسی مربوط به هر گروه سنی استفاده شود.

منابع

- ابراهیمی، نادر (1363). مقدمه‌ای بر مراحل خلق و تولید ادبیات کودکان. تهران: آگاه.
- ایمن، لیلی (1357). واژگان نوشتاری و گفتاری کودکان 6-12 ساله ایرانی. تهران: مرکز ملی آموزش بزرگسالان.
- بدره‌ای، فریدون (1350). واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران. تهران: فرهنگستان زبان ایران.
- شبییری، علی محمد (1376). واژگان پایه ادراکی دانش‌آموزان کلاسهای سوم، چهارم و پنجم ابتدایی. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.
- صفارپور، عبدالرحمن (1370). واژگان پایه کلاسهای اول تا پنجم دبستان. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- صفرزاده، فرامرز (1376). واژگان گفتاری کودکان دبستانی. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.
- ضرغامیان، مهدی (1371). واژگان خوانداری کودکان دبستانی ایران. رساله کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.